



آرمان ملی- آرش کینافر: «حضور میلیون‌ها ایرانی سبب شد تا قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی به خوبی اثبات شود. این قدرت نرم در کنار قدرت سخت نظام چنان استحکامی به نظام داده است که دشمنانش دچار حیرت شده‌اند که چگونه با آن برخورد کنند. به نظر می‌رسد همین عامل سبب شده تا ترامپ هم در تصمیم‌گیری خود ثبات نداشته باشد.

اگر بجنگد با تبعات سنگینی روبه‌رو خواهد بود و اگر نتجنگد متهم به بی‌عرضگی می‌شود. به نظر می‌رسد ترامپ همان راه امتیازدان به ایران را پیگیری کند،» جملات ذکر شده اظهارات غلامعلی دهقان، تحلیلگر مسائل سیاسی درباره پیامدهای راهپیمایی مردم در روز ۲۲ بهمن در شرایط کنونی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است.

دهقان در این گفت‌وگو به مهم‌ترین تأثیر این اتفاق بر تحولات آینده اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

🔴 **راهپیمایی روز ۲۲ بهمن انگار یک شوک خبری برای براندازان ایرانی شد. فکر می‌کنید بجای کار آنها را غافلگیر کرد؟** جواب. بله نه تنها برای براندازان شوک بود بلکه برای خودی‌ها هم شوک بود. یکی از دلایل بی‌سابقه بودن راهپیمایی ۲۲ بهمن تهدیدات خارجی به خصوص تهدیدات ترامپ بود.

حدود۵۰چهل روز پیش و پس از توثیت ترامپ مبنی بر حمایت از تظاهرات مخالفان گفته شد ممکن است اقلیتی از این راهبرد ترامپ راضی باشند ولی قطعاً اکثریت ملت ایران این دخالت آشکار را برنمی‌تابند و پیش‌بینی شد ما امسال ۲۲ بهمن شاهد پیرازدحام و شلوغ‌ترین راهپیمایی بعد از پیروزی انقلاب خواهیم بود که این چنین هم شد.

دشمنان باید بدانند ایران امروز دیگر ایران آن سال‌های سیاه نیست که قدرت‌های خارجی به راحتی خاک ما را تصرف می‌کردند. صد و یازده سال پیش در هنگامه جنگ جهانی اول عثمانی در غرب ایران و انگلیس در جنوب و روس‌ها در شمال ایران به کشور حمله کردند و بخش‌هایی از کشور اشغال شد.

در جنگ جهانی دوم باهم کشور این بار توسط متفقین اشغال شد. اما پس از پیروزی انقلاب ما شاهد بودیم صدام رهبر متجاوز عراق به ایران حمله کرد اما با مردم مقاومی روبه‌رو شد که یک وجب از خاک خود را به دشمن ندادند. در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل هم باز دشمن به اهداف خود نرسید. بنابراین ما مردمی داریم که در این سال‌ها دیگر زیر بار قلدری و زورگویی نخواهد رفت. پیام ملت ایران این است که ترامپ این بود که مراقب باشد و فکر جنگ نباشد. حتی شاهد حضور کسانی بودیم که برای اولین در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند چون خود را در برابر تاریخ مسئول می‌دانستند.

🔴 **راهپیمایی ۲۲ بهمن غیر از شوک به براندازان نکات دیگری هم داشت؟**

یکی از نکات دیگر این راهپیمایی این بود که مرجعیت خبری شبکه‌های معاند در هم شکسته شد. حضور خبرنگاران شبکه‌های بین‌المللی در ایران که مستقیماً مراسم ۲۲ بهمن را منتشر می‌کردند سبب شد حرف‌های تبلیغاتی مخالفان دیگر اثر نداشت و جالب اینکه پس از راهپیمایی بزرگ پس از شوک اولیه شروع به توجیهات مضحک کردند. اما مردم ایران خود بهتر می‌دانند که کف خیابان‌ها چه خبر بود.

🔴 **تأثیر داخلی و بین‌المللی این راهپیمایی بزرگ چه خواهد بود؟**

قطعاً تأثیرات مثبت هم در داخل و هم در خارج خواهد داشت. در خارج معلوم شد به قول معروف کت‌تن کیست. حضور میلیون‌ها ایرانی سبب شد تا قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی به خوبی اثبات شود. این قدرت نرم در کنار قدرت سخت نظام چنان استحکامی به نظام داده است که دشمنانش دچار حیرت شده‌اند که چگونه با آن برخورد کنند. به نظر می‌رسد همین عامل سبب شده تا ترامپ هم در تصمیم‌گیری خود ثبات نداشته باشد. اگر بجنگد با تبعات سنگینی روبه‌رو خواهد بود و اگر نتجنگد متهم به بی‌عرضگی می‌شود.

به نظر می‌رسد ترامپ همان راه امتیازدان به ایران را پیگیری کند. در داخل هم این راهپیمایی مسئولیت‌مدیران کشور را سنگین‌تر می‌کند و آنها باید بیش از گذشته خدمت‌رسانی را مضاعف کنند و جمله‌ام خمینی (ره) را که می‌گفت «این مردم ملی‌نعمت ما هستند» بیش از گذشته سرلوحه کارهای خود قرار دهند.

«آرمان ملی» مواجهه دولت با قطع سخنان رئیس‌جمهور در شبکه خبر را بررسی می‌کند

شکاف دولت و صداوسیما

🔴 **آقای رئیس‌جمهور نگاه جامعه را نمایندگی کنید**



رسانه رسمی صوتی و تصویری به حساب می‌آید باید اینگونه باشد که نسبت به پوشش اخبار و عملکرد دولت‌های مختلف بدون داشتن نگاه سیاسی و جناحی عمل کند و در عملکردهای خود نگاه‌های جناحی را دخالت ندهد.

اما صداوسیما در قبال دولت‌های مختلف طی سال‌ها و دهه‌های مختلف نه تنها این رویکرد را پیش نگرفته بلکه بالعکس با نگاه جریان‌ی و سیاسی تلاش داشته تا به دولت‌های همسو بیشتر و دولت‌های مخالف و غیرهمسو را کمتر مورد پوشش رسانه‌ای قرار دهد. این موضوع در دولت‌های اصلاح‌طلب یا متمایل به این جریان بسیار پررنگ‌تر بوده است. نماد این رویارویی در دولت سیدمحمد خاتمی برنامه «چراغ»، حوادث کوی دانشگاه و نحوه پوشش کنفرانس برلین بود که صداوسیما را مقابل دولت قرار داد. تا جایی‌که در جریان پخش برنامه چراغ از سوی صداوسیما تا مدت‌ها از حضور علی لاریجانی، رئیس وقت صداوسیما در جلسات هیأت دولت جلوگیری شد. در دولت حسن روحانی نیز شرایط به همین منوال پیش رفت. در ماجرای مذاکرات میان ایران و ۵+۱ بارها صداوسیما به انتقاد و تخریب دولت و تیم مذاکره‌کننده پرداخت و نسبت به اقدامات مختلف دولت آنچنان که باید وقعی نهداد تا جایی‌که رئیس‌جمهور وقت در سخنانی گفت: «صداوسیما باید رسانه باید ملی باشد، نه میلی».

البته پس از آن نیز شاهد اتهامات، توهین و تخریب‌های ادامه‌داری از سوی برخی مهمانان برنامه‌های صداوسیما علیه دولتمردان وقت بودیم که نشان می‌داد این رویه اتفاقی نیست. حال اینکه به رغم اظهارات مدیران صداوسیما بر همگرایی با دولت چهاردهم در این دوره نیز شاهدیم که صداوسیما‌نطور که باید به وظیفه خود در قبال دولت عمل نمی‌کند و نگاه جناحی بر نگاه ملی برتری دارد.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی اظهارات رئیس‌جمهوری را تحلیل می‌کند

گره‌های تورمی در پاستور

مهدی پازوکی: اقتصادپو نیازمند دولتی پاسخگوست

در این مورد معتقد است که دهه‌های اخیر در کنار مطالباتی که شهروندان و مجموعه جامعه از حاکمیت داشتند، کناره‌گیری دولت از اقتصاد یکی از مواردی است که همواره در آواینت خواسته‌های جامعه مدنی قرار دارد.

🔴 **کارآمدی اقتصادی دولت**

مهدی پازوکی، اقتصاددان و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی در واکنش به اینکه چرادر دولت باید نقش خود در اقتصاد را کم‌رنگ کند و در نهایت این حوزه را ب‌ها

کند، به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «در ابتدا باید به این مورد اشاره کنم که عدم تقویت بخش خصوصی و تداوم حضور پررنگ و گسترده دولت در اقتصاد، یکی از چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر بوده است موردی که هرکشوری را وارد بحران می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد هرگاه دولت‌ها از نقش سیاست‌گذار و ناظر فزائر رفته و به بازیگر اصلی فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شدند کارایی، رقابت‌پذیری و پویایی اقتصاد با اختلال مواجه شده است. در ایران نیز اجرای ناقص سیاست‌های مرتبط با خصوصی‌سازی، به ویژه در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، موجب شده است که بسیاری از نگاه‌ها به جای واگذاری واقعی به بخش خصوصی رقابتی، به نهاد‌های شبه دولتی منتقل شوند و ساختار اقتصاد همچنان دولتی باقی بماند.

توجه داشته باشید که حضور قدرتمند دولت در عرصه‌هایی مانند تولید، تجارت، قیمت‌گذاری و تخصیص منابع، معمولاً با گسترش بوروکراسی، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و محدودشدن فضای رقابتی همراه است. در این مورد با یکی از اقتصاددان‌ها گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. پازوکی

گزارش

خواتش دیپلماسی لاریجانی در منطقه

از گفت‌وگو تا بازدارندگی

صحنه سیاست منطقه‌ای این روزها شبیه صفحه شطرنجی است که چند بازیگر هم‌زمان روی آن حرکت می‌کنند؛ هر کدام با روایت خود از «امنیت» و «بازدارندگی». اکوایران نوشت: در یک سوی میدان، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل راهی واشنگتن شده تا با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده دیدار کند؛ سفری که از نگاه رسانه‌های عبری با هدف متقاعدکردن ترامپ برای سخت‌گیری بیشتر علیه ایران و جلوگیری از هرگونه توافق احتمالی ارزیابی می‌شود. در سوی دیگر، تهران تحرکات دیپلماتیک خود را افزایش داده و کوشیده با فعال‌سازی کانال‌های منطقه‌ای، مسیر گفت‌وگو را زنده نگه دارد و ابتکار عمل را از دست ندهد. در همین چارچوب، سفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به عمان و سپس قطر معنایی فزائر از یک دیدار تشریفاتی داشت. این سفر پس از دور اول مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا و در بچبوه گمانه‌زنی‌ها درباره زمان و چگونگی دور دوم مذاکرات انجام شد و نشان داد که روند مذاکراتی وارد مرحله حساس‌تری شده است؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاً بحث بر سر جزئیات فنی نیست، بلکه تصمیم‌های کلان درباره خطوط قرمز، سلح امتیازدهی و تصویر آینده روابط تهران و واشینگتن در دستور کار قرار گرفته است.

🔴 **لاریجانی در مسقط و دوحه**

در مسقط، لاریجانی با ارتشبد محمد النعمانی، وزیر دفتر سلطنتی عمان، هیثم بن طارق، سلطان عمان و بدرالبوسعیدی، وزیر خارجه این کشور، دیدار کرد. خبرگزاری رسمی عمان درباره سفر لاریجانی به مسقط و دیدارش با «هیثم بن طارق» یادشاه این کشور گزارش داد که درطرف در دیدار خود بر اهمیت حل اختلاف‌نظرها از راه‌های مسالمت‌آمیز جهت برقراری صلح و امنیت در منطقه و جهان تأکید کردند. در این دیدار، آخرین تحولات مربوط به مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای ایران و آمریکا، راه‌های دستیابی به یک توافق متوازن و عادلانه میان ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. آسوشیتدپرس نیز در گزارشی با اشاره به سفر علی لاریجانی به عمان نوشت که این سیاستمدار ایرانی «احتمالاً پاسخ ایران به گفت‌وگوهای غیرمستقیم جمعه هفته گذشته با آمریکایی‌ها را به همراه دارد».

دبیر شحام در گفت‌وگو با شبکه العالم، سفر خود به مسقط را در چارچوب روابط تاریخی و مستحکم ایران و عمان توصیف کرد و گفت: «در این سفر، درباره گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری و توسعه‌ای میان دو کشور گفت‌وگوهای مفصلی انجام شده است. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بخش مهمی از رایزنی‌ها را تشکیل داده است.» او همچنین تأکید کرد که مذاکرات انجام‌شده با مقامات عمانی بسیار پربار و نویدبخش بوده و ادامه این گفت‌وگوها می‌تواند زمینه‌ساز تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تسهیل مسیر دیپلماسی در آینده باشد. لاریجانی پس از عمان راهی دوحه شد و با امیر قطر و نخست‌وزیر این کشور دیدار کرد. همزمان، تماس تلفنی امیر قطر با ترامپ درباره کاهش تنش‌ها، نشان داد که پایتخت‌های عربی خلیج فارس نیز نسبت به چشم‌انداز رویارویی نظامی نگران هستند و ترجیح می‌دهند مسیر دیپلماسی تقویت شود. در واقع، کشورهای منطقه بیش از هر بازیگر دیگری از تبعات یک درگیری مستقیم آسیب می‌بینند و به همین دلیل از هر نشانه‌ای برای کاهش تنش استقبال می‌کنند.

جلال دهقانی فیروزآبادی، دبیر شورای راهبردی روابط خارجی نیز درباره سفر اخیر دبیر شحام به عمان و قطر و این که آیاگفت‌وگوهای این مقام عالی رتبه کشورمان هر راستا با مذاکرات وزیر خارجه با طرف آمریکایی است، اظهار داشت: «این سفر در راستای مذاکرات هسته‌ای در مسقط است. به نظر، احتمالاً، این سفر با چند هدف صورت گرفته است. لاریجانی برای تأیید و تقویت مواضع اعلامی ایران توسط وزیر امور خارجه و تسهیم و تأکید مجدد بر خطوط قرمز کشور به عمان و قطر سفر کرده‌اند.»

در واشنگتن اما روایت دیگری در جریان است. ترامپ در آستانه دیدار با نتانیاهو اعلام کرد که ترجیح می‌دهد با ایران به توافق نرسد، اما همزمان شروطی فزائر از پرونده هسته‌ای را مطرح کرد؛ از جمله محدودیت‌های درباره توان موشکی. تهران بارها تأکید کرده که مذاکرات صرفاً بر برنامه هسته‌ای متمرکز خواهد بود و موضوعات دفاعی در دستور کار قرار ندارد. همین شکاف، گره اصلی مذاکرات آینده را شکل می‌دهد؛ آیا چارچوب گفت‌وگو محدود به هسته‌ای باقی می‌ماند یا به سایر حوزه‌های اختلافی گسترش می‌یابد؟ در داخل ایران نیز پیام دوگانه‌ای مخابره شده است؛ دیپلماسی در کنار بازدارندگی.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ضمن مثبت ارزیابی‌کردن فضای دور نخست مذاکرات، تأکید کرده است که اگر آمریکا در پی راه حل مسالمت‌آمیز باشد، تهران نیز جدی است. با این حال، او هشدار داد که در صورت انتخاب گزینه نظامی، ایران تمامی پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه را هدف قرار خواهد داد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که تهران تلاش دارد همزمان با پیشبرد گفت‌وگو، هزینه هرگونه ماجراجویی نظامی را نیز بالا نگه

دارد. پرونده هسته‌ای اکنون به نقطه‌ای رسیده که چند متغیر کلیدی می‌تواند سرنوشت آن را تعیین کند؛ سلح غنی‌سازی، به ویژه وضعیت اورانیوم ۶۰ درصد، دامنه و کیفیت رفع تحریم‌ها و تضمین‌های اجرایی توافق احتمالی. هر یک از این موارد، برای طرفین نه فقط یک مساله فنی، بلکه یک مساله حیثیتی و امنیتی است.

در مجموع، آنچه امروز دیده می‌شود، تقابل دو راهبرد است: فشار حداکثری و تهدید یا یک‌سو، و دیپلماسی فعال درحالی‌که از سوی دیگر، تهران می‌کوشد مددند که آماده مذاکره است، اما زیر سایه تهدید. واشنگتن نیز میان تمایل به توافقی و فشارهای متحدان منطقه‌ای خود در نوسان است. آینده این پرونده بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های سیاسی در سطوح عالی گره خورده است؛ تصمیم‌هایی که می‌تواند مسیر خاورمیانه را برای سال‌های پیش رو تغییر دهد.